

مراتب ایمان در حکمت متعالیه ملاصدرا و مراحل رشد ایمان از دیدگاه فاولر

مهدی زمانی^۱

زیبا شفیعی خوزانی^۲

چکیده

شناختی و اخلاقی خویش، نمونه‌یی از مرحله ششم ایمان هستند. در این نوشتار ابتدا با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین دیدگاه ملاصدرا در باب مراتب ایمان و دیدگاه فاولر درباره مراحل رشد ایمان پرداخته و سپس به مقایسه نقاط اشتراک و تفاوت و ارزیابی این دو دیدگاه پرداخته شده است.

ملاصدرا بر اساس مبانی حکمت متعالیه، بویژه حرکت جوهری، تشکیک در مراتب وجود، انسان و شناخت، به بیان مراتب ایمان پرداخته است. او گاه ایمان را به تقلیدی، برهانی و عیانی و گاهی به ظاهری و حقیقی و همچنین به لفظی، معنایی، حقیقی (برهانی یا کشفی) و استغراق در نور احدیت تقسیم کرده است. از نظر او، اوج ایمان از آن کاملان در عقل نظری و عملی است که اندک افرادی از آنان به خلافت الهی و انسان کامل میرسند. جیمز فاولر، الهیدان و روانشناس معاصر، با تأثیرپذیری از برخی الهیدانان جدید مسیحی مانند تیلیخ و روان‌شناسانی مانند پیاز، کولبرگ و اریکسون، رشد ایمان را در شش مرحله تبیین کرده است: (۱) شهودی-تصویری، (۲) اسطوره‌یی-واقعی، (۳) ترکیبی-عرفی، (۴) انفرادی-انتقادی، (۵) پیونددهنده، (۶) دین جهانی. وسعت نظر

کلیدواژگان: ایمان، مراتب ایمان، رشد ایمان، حکمت متعالیه، ملاصدرا، فاولر.

مقدمه

بحث در باب ایمان، ماهیت، متعلق و مراتب آن، پیشینه‌یی بسیار طولانی دارد و از دیرباز اهل اندیشه - از متکلمان، فیلسوفان، عارفان و مفسران- بنحو خاص بدان می‌اندیشیده‌اند. ملاصدرا در مقام مبتکر حکمت متعالیه، با تأثیرپذیری از مشربهای کلامی، تفسیری، عرفانی، مشائی و اشراقی، به

۱. دانشیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ zamani108@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ zshafiee@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۴ نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15600874.1402.29.1.3.3

جنبه‌های گوناگون شناختی، نفسانی و سایر ابعاد ایمان توجه کرده و در آثار خویش از آنها بحث نموده است؛ توصیف و تحلیل این مباحث می‌تواند نمونه‌یی جامع از دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در اینباره بشمار آید.

در میان متفکران معاصر در جهان اندیشه مغرب‌زمین نیز بحث از مسائل ایمان از اهمیت و گستردگی فراوانی برخوردار است و ملحدان و مؤمنان، هر دو به آن پرداخته‌اند. جیمز فاولر (James Fowler) از جمله الهیدانان و روانشناسان معاصر است که بحث ایمان در آثار وی نقش اساسی دارد. او مراحل ایمان را محور فرایند رشد اخلاقی در انسان تلقی نموده (کیلن و اسمتانا، ۱۳۹۵: ۱۷۳) و ارائه الگویی ویژه برای رشد ایمان را وجهه همت خویش قرار داده است. فاولر در این زمینه، هم از آثار الهیدانان و فیلسوفان دین نظیر تیلیخ (Tillich)، نی‌بوهر (Niebuhr) و اسمیت (Smith) بهره برده و هم به دیدگاه‌های پیازه (Piaget)، اریکسون (Erikson) و کلبرگ (Kohlberg) در روانشناسی رشد (Development Psychology)، توجه داشته و آنها را در نظریه خود درباره مراحل رشد ایمانی (Development Stages of Faith) جذب نموده است (Fowler, 1981: p. 10; Neumann, 2011: p. 46).

تبیین، ضرورت و پیشینه موضوع

مسئله اصلی پژوهش حاضر آنست که از طریق مقایسه و یافتن نقاط اشتراک و تفاوت میان دیدگاه ملاصدرا و فاولر در باب ایمان و مراحل

یا مراتب آن، به ارزیابی این دو دیدگاه پردازد. چنین مقایسه و ارزیابی‌یی میان دو اندیشمند که هر یک بنوعی برآیند دیدگاه‌های متفکران پیش از خود در دو عالم اندیشه متفاوت هستند، ضمن آنکه به شناخت بهتر هر یک از این نظریات کمک میکند، می‌تواند به دیدگاهی جامع‌تر درباره موضوع مهم و مراحل آن بینجامد.

در مورد ایمان و مراتب آن از دیدگاه صدرالمآلهین کتابها و مقالات بسیار ارزشمندی برشته تحریر درآمده است. از این میان می‌توان به مقالات «ایمان از دیدگاه ملاصدرا» (وحیدی مهرجردی، ۱۳۸۸)، «تحلیل معرفت‌محورانه مراتب ایمان در فلسفه ملاصدرا» (علوی، ۱۳۹۳) و «چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا» (خادمی و ماجدی، ۱۳۹۳) اشاره نمود. همچنین در مورد دیدگاه جیمز فاولر درباره ایمان و ابتدای رشد اخلاقی بر آن و نیز مراحل رشد ایمان در آدمی از دیدگاه وی، مقالات خوبی به زبان انگلیسی و نیز چند مقاله به زبان فارسی وجود دارد. از میان این مقالات می‌توان به مقالات «نظریه رشد ایمانی فاولر بعنوان چارچوبی برای تربیت دینی» (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۴) و «مراحل شکلگیری ایمان از دیدگاه فاولر و نقد آن» (نوروزی و غلامی، ۱۳۹۶) اشاره کرد. اما مقایسه دیدگاه‌های این دو اندیشمند بزرگ، ابتکاری جدید است که تا بحال انجام نشده است.

چیستی ایمان

ملاصدرا همراه با جمهور متکلمان شیعی (علم

فردا
مرد

الهدی، ۱۴۱۷: ۵۳۸؛ طوسی، بی تا: ۶۴۸)، ایمان را از سنخ شناخت و تصدیق میدانند: «الایمان مجرد العلم و التصدیق» (ملاصدرا، ۱۳۸۹ الف: ۲ / ۸۸)؛ بدین سان از نگاه وی، اصل ایمان شناخت امور الهی است: «فالعلوم الإلهية هي عين الإيمان بالله و صفاته» (همو، ۱۳۹۱: ۳۳۰). همچنین او ایمان حقیقی را حکمت معرفی میکند (ملاصدرا، ۱۳۸۱ ب: ۸) و برخلاف خوارج (بغدادی، ۱۴۰۸: ۵۴) و معتزله (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۰: ۵۱/۱۹)، عمل را در مفهوم ایمان دخیل نمیداند (ملاصدرا، ۱۳۸۹ الف: ۲ / ۹۵). ملاصدرا ارتباط میان ایمان و عمل (صالح) را از طریق گستره ایمان در ساحت‌های احساس و اراده انسان تبیین میکند (زمانی، ۱۳۹۹: ۱۳). بدین سان، «کسی که ایمان و معرفتش به خداوند شدیدتر باشد، عشق و حب کاملتر و افزونتری نسبت به خدا» داشته (ملاصدرا، ۱۳۸۱ ج: ۱۰۸) و انگیزه کافی و نیت و اراده خالصانه برای انجام عمل صالح خواهد داشت (همان: ۱۰۰).

فاولر در بیان ماهیت ایمان، بر نقش آن در معناداری زندگی و تعهد به نظامی ارزشی تأکید میکند (Fowler, 1981: p. 4). او ایمان را از ویژگی‌های بنیادین آدمی و عطیه‌ی الهی میدانند که بالقوه در همه آدمیان نهاده شده و میتوان گفت همه انسانها با ایمان متولد میشوند (Ibid: p. xiii; Ekman, 1996: p. 252). بدین ترتیب ممکن است کسانی که دین ندارند، ایمان داشته باشند. او گاه ایمان را فرایندی پویا از تعهدات تعریف کرده که اعتماد، وفاداری و اعتماد بنفس و تعهد به منابع

ارزشی (اخلاقی) را در پی دارد (Fowler & Dell, 2006: p. 36; Fowler, 1981: p. 4). فاولر در تعریف ایمان بیش از آنکه بر متعلق ایمان تأکید داشته باشد، آن را حالتی درونی در آدمی میبندد که از سویی ضامن نوعی جهانی‌گسترده برای درک هستی بعنوان ساختاری معنادار است و از سوی دیگر، نظامی ارزشی و راهنمایی برای عمل او در زندگی به‌ارمغان می‌آورد.

ایمان و فعلیت یافتن آن در جریان رشد

ملاصدرا در حکمت متعالیه خود، جریان رشد آدمی و ویژگی‌های وجودی و شناختی او را مهم شمرده و آن را فرایندی تدریجی میدانند. مبنای بسیار مهم فرایند تدریجی رشد را میتوان در نظریه خاص وی درباره نفس آدمی و حدوث آن یافت. ملاصدرا نفس را «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» میدانند و برخلاف جمهور فیلسوفان پیش از خود، جریان مجرد آدمی را نوعی تکامل تدریجی از حالات بالقوه جسمانی معرفی میکند (ملاصدرا، ۱۳۸۲ الف: ۱ / ۳۲۵). خروج تدریجی نفس آدمی از قوه به فعل، مرحله‌ی دارد که عقل منفعل نامیده میشود و این مرحله پایان اوصاف جسمانی و آغاز ویژگی‌ها و معانی روحانی اوست (همو، ۱۳۸۲ ب: ۲۶۶). بنابراین آدمی پیش از رسیدن به مرحله‌ی از رشد که عقلانیت در او شکل میگیرد، از بصیرت و شناخت که لب لباب ایمان است، بهره‌ی ندارد. نفس انسان در مراحل آغازین رشد تنها از ویژگی‌های تغذیه،

رشد و نمو و تولید مثل (نفس نباتی) و حرکت و درک حسی ضعیف (نفس حیوانی) بهره‌مند است و بنابراین نمیتواند امور ایمانی را درک کند (همو، ۱۳۸۹: ب: ۲۱۱).

فاولر آغاز مراحل رشد ایمان را سن دو تا سه سالگی میداند. نوزادی دوره‌یی از زندگی است که کودک بدلیل ضعف در ساختارهای شناختی و ارزشگذاری، نمیتواند الگویی از نظم معنایی و ارزشی را درباره زندگی ایجاد کند (نوذری، ۱۳۹۶: ۹۵). بهمین دلیل، کودک از بدو تولد تا این سن، درکی مشخص از ایمان ندارد و میتواند این مدت را پیش از مراحل ایمان دانست. در این دوره، کودک دیدگاهی ناقص و ابتدایی در مورد جهان پیرامون خویش دارد. آنچه در این مرحله میتواند تنها زمینه‌یی برای رشد مراحل ایمان بشمار آید، نوع ارتباط کودک با والدین خویش است. رفتار والدین با کودک به پیدایش و تقویت احساس اعتماد، عشق و مراقبت منجر میشود. این احساسها نهال ویژگیهایی مانند دلیری، امید و خودمختاری را در کودک غرس میکنند که برای شکوفایی و فعلیت یافتن ایمان در مراحل رشد ضرورت دارند (Fowler, 1981: p. 121; Neumann, 2011: p. 46).

قوای شناختی نفس

لازمه فهم مراحل و مراتب ایمان از منظر ملاصدرا اینست که به مراحل و قوایی که در شناخت آدمی دخالت دارند، اشاره شود، زیرا از دیدگاه او اساس ایمان از سنخ شناخت است.

ملاصدرا حقیقت آدمی را امری یگانه میداند که در عین وحدت و بساطت، دارای قوای گوناگون است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ج: ۵۴). قوایی که در شناخت آدمی دخالت دارند بترتیب عبارتند از: (۱) قوای ظاهر (حواس پنجگانه)، (۲) حس مشترک، (۳) خیال، (۴) متصرفه، (۵) واهمه، (۶) حافظه، (۷) عقل (شامل عقل نظری و عقل عملی). اطلاعات حواس پنجگانه حسی (صورت‌های حسی) توسط حس مشترک جمع‌آوری و درک میشود و قوه خیال بمتابه بایگانی (خزانه) حس مشترک عمل میکند. قوه واهمه معانی جزئی را درک میکند و حافظه خزانه آن است. قوه متصرفه در کار ترکیب، تفصیل و تصرف در صورتهای حسی است و اگر بوسیله واهمه به تصرف در معانی جزئی بپردازد آن را متخیله گویند (همان: ۲۵۴).

قوه عقل از لحاظ رتبه، برتر از حواس ظاهر و باطن است و دو کارکرد دارد: (۱) دریافت معانی از مافوق خود و درک تصورات و تصدیقات و شناخت حق و باطل (عقل نظری)، (۲) کسب صناعات و درک حسن و قبح اعمال برای انجام اعمال (عقل عملی). عقل نظری مدرکات خویش را از عقل فعال دریافت میکند و عقل عملی علاوه بر عقل نظری، از نفوس سماوی نیز تأثیر میپذیرد (همو، ۱۳۸۰: ۲۳).

مراتب رشد و استکمال نفس

در حکمت متعالیه حقیقت آدمی نفس اوست و هنگامی که سخن از رشد آدمی است، مراحل عمده تکامل نفس او مطرح میشود. در اندیشه

فردوسی

ملاصدرا، نفس آدمی مراتبی دارد که بر اساس اصل تشکیک، مرتبه بالاتر از کمالات مرتبه پایتتر نیز برخوردار است. برخلاف سایر موجودات که هر یک دارای مقام یا جایگاه مشخص در میان عوالم هستند و تنها در یکی از عوالم طبیعت، نفسانی یا عقلانی قرار میگیرند، نفس آدمی دارای مقامها و درجات متفاوت است و شئون نشئه‌های مقدم و مؤخر را در خود دارد. بیان دیگر، نفس آدمی سیال است و محدود به یک مقام وجودی نیست بلکه توان و قوه حضور در همه مراتب طبیعی، مثالی و عقلی را دارد و برحسب تحقق ادراکات و اعمال خود، مرتبه خویش را فعلیت میبخشد (همو، ۱۳۸۳ج: ۳۹۸). مبنای ملاصدرا در این تلقی از سیالیت وجود آدمی در مراتب هستی، اصل حرکت جوهری است.

حرکت نفس برای استکمال، گذار آن از جسمانیت و سیر آن بسوی تجرد است: «النفس جسمانية الحدوث روحانية البقاء» (همو، ۱۳۸۶: ۲/۸۶۶). ملاصدرا معتقد است همه آدمیان از مراتب پایین تجرد و بیشتر انسانها از تجرد مثالی بهره‌مندند اما تجرد عقلی مخصوص نفوس کمال یافته است که تعداد آنان اندک است (همو، ۱۳۹۱: ۹۷). او سیر استکمالی نفس را محدود به مرتبه عقلی نمیداند بلکه معتقد است برخی از انسانها میتوانند به مرتبه‌ی برتر از تجرد عقلی نایل آیند. در این مرتبه، اعتلای وجودی انسان در تعالی به بالاترین مراتب قرب به خداوند، یعنی برترین وجود است. صدرالمألهین این مرتبه را برتر از

عقل بالفعل و حتی عقل فعال و فوق آن میدانند (همو، ۱۳۸۳ج: ۴۳۱). انسان در این مرتبه به مقام «وحدت حقه ظلیه و خلافت الهی» نایل میگردد (همو، ۱۳۸۲ج: ۵۳۸).

مراتب استکمال عقل نظری و رشد ایمان

از آنجا که حقیقت ایمان از دیدگاه ملاصدرا، شناخت و معرفت و تصدیق است، برای تبیین مراتب آن باید مراتب عقل نظری که نیروی خاص شناخت آدمی است، بررسی گردد. ملاصدرا عقل را دارای چهار مرتبه میداند:

۱. عقل هیولایی. در این مرتبه قوه عاقله هیچگونه صورت و ادراک بالفعلی ندارد (همو، ۱۳۹۱: ۳۳۶)؛ حتی نسبت به ذات و قوای خود نیز شناختی ندارد و بنابراین در آن چیزی از تصدیق و معرفت و ایمان نیست.

۲. عقل بالملکه. این مرتبه مرحله کسب بدیهیات تصویری و تصدیقی برخی از ادراکات عقلی اولیه است و زمینه ادراک صورتهای عقلی مهیا میگردد (همو، ۱۳۸۳ب: ۴۵۳).

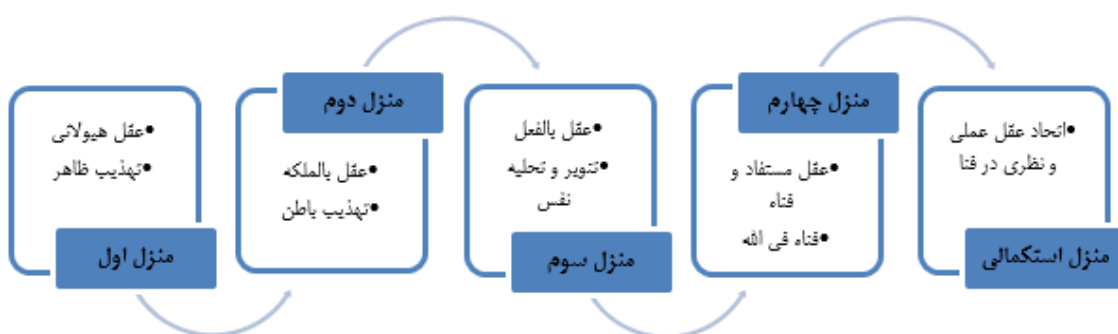
۳. عقل بالفعل. این مرتبه هنگامی محقق میشود که بر اثر تکرار توجه به معقولات و دریافت آنها از مبدأ فیاض، بدون اکتساب میتواند آنها را حاضر کند (همو، ۱۳۸۱الف: ۶۳۵/۲). چون متعلقات ایمان از سنخ امور معقول هستند، نفس با رسیدن به این مرحله میتواند امور ایمانی حقیقی را ادراک و آنها را تصدیق نماید.

۴. عقل مستفاد. در این مرحله نفس با رشد و کمال‌یافتگی، همه معقولات را شهود میکند و همه کمالات ادراکی برای او حاضر است. در مرحله عقل مستفاد روح انسانی همانند آینه‌یی با عقل قدسی برای عبودیت کامل صیقل میخورند، با رفع حجابهای طبیعت و زدودن زنگار معصیت، نور معرفت و ایمان در او میتابد (همو، ۱۳۸۶: ۱/۵۶). ملاصدرا به روایاتی در اینباره اشاره کرده و برای روح پنج مرتبه در نظر میگیرد: (۱) روح القدس، (۲) روح الایمان، (۳) روح القوه، (۴) روح الشهوه، (۵) روح المدرج. او روح القدس را با عقل فعال و روح الایمان را با عقل مستفاد تطبیق میدهد (همو، ۱۳۹۱: ۴۰۲). بنابراین از دیدگاه وی کمال ایمان با رسیدن عقل انسان به مرحله عقل مستفاد تحقق می‌یابد.

مراتب عقل عملی و رشد ایمان

کمال عقل نظری و حصول ایمان در مرحله عقل مستفاد نیازمند تکمیل عقل عملی است.

مراحل عقل عملی عبارتند از: (۱) تهذیب ظاهر با آداب شرعی، (۲) تهذیب باطن، (۳) آراستن نفس به صورتهای قدسی، (۴) فنای نفس و ملاحظه پروردگار و کبریا و ملکوت او (همو، ۱۳۸۱ الف: ۲/۴۵۹). از دیدگاه ملاصدرا این چهار مرتبه بترتیب با مراحل چهارگانه عقل انطباق دارند و بهمین دلیل نهایت ایمان و مسیر بسوی خداوند، در مرحله عقل مستفاد و فنای در توحید یا فنای وجودی محقق میگردد. بدین ترتیب نهایت ایمان فنای در خداوند است که در آن عقل عملی و نظری یگانه میشوند. با توجه به مطالب گذشته میتوان نتیجه گرفت که از دیدگاه ملاصدرا، درست است که مراحل رشد ایمان بر اساس تحول و سیر تکامل عقل تبیین میشود، اما این مراحل با عمل متناسب و تهذیب باطنی همراه است. از اینرو برای رسیدن به مقصد فنا که فوق عقل است، هم عقل نظری و هم عقل عملی باید به برترین مراحل کمال برسند (گرجیان و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۴۶).



نفس در طول زندگی برای رشد آدمی چهار دوره در نظر میگیرد:

سن مراحل رشد از دیدگاه ملاصدرا
ملاصدرا بر اساس ویژگیهای استکمالی

۱. مرحله جنینی. در این مرحله آدمی بصورت بالفعل، گیاه و بصورت بالقوه، حیوان است، زیرا از حس و حرکت ارادی که ویژگی اصلی نفس حیوانی است، بهره‌ی ندارد. تفاوت انسان در این مرحله با گیاهان در اینست که انسان بالقوه میتواند حیوان باشد.

۲. مرحله تولد تا بلوغ ظاهری. با تولد، انسان واجد نفس حیوانی و احساس و حرکت ارادی میشود و رشد تدریجی او در مرحله عقل حیوانی و بالملکه ادامه می‌یابد.

۳. مرحله بلوغ تا چهل سالگی. در این مرحله انسان دارای نفس ناطقه (عقل بالفعل) میشود و کلیات را با فکر و رؤیت درمی‌یابد.

۴. چهل سالگی. در این سن برخی از انسانها که استعداد بالا رفتن به حد نفس قدسی و عقل بالفعل را دارند، به بلوغ عقلی و معنوی میرسند (ملاصدرا، ۱۳۸۲ ج: ۲۷۲).

پس جنین در رحم مادر در مرحله نباتی و حیوان بالقوه است و از زمان تولد تا پیش از بلوغ، صوری حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. در سن بلوغ ظاهری، آدمی بالفعل انسان است و بالقوه فرشته یا شیطان، اما قوه قدسی در مرحله کمال و بلوغ باطنی، از میان هزاران نفر تنها نصیب یک نفر میگردد (همانجا).

مراتب ایمان و اصل تشکیک

ملاصدرا بر اساس اصل تشکیک و ذومراتب بودن وجود، همه امور دیگر، از جمله انسان،

شناخت و... را دارای مراتب و شدت و ضعف میدانند (ملاصدرا، ۱۳۸۳ الف: ۷۹). او ایمان را نیز از این قبیل دانسته و آن را دارای شدت و ضعف و نقصان و کمال معرفی میکند. ایمان در آغاز اکتساب آن، ضعیف و ناقص است و سپس بتدریج و کم‌کم، تقویت و تکمیل میشود. تقویت و تکمیل ایمان دو عامل دارد: کاملتر شدن فکر (جنبه نظری) و تحکیم اعمال (جنبه عملی). این سیر عقلی و عملی ادامه می‌یابد تا آنکه «علم» تبدیل به «عین» و «ایمان» تبدیل به «عیان» و «معرفت» تبدیل به «مشاهده» شود و بهمین دلیل گفته شده که «المعرفة بذر المشاهدة» (همو، ۱۳۸۱ الف: ۲ / ۶۰۳). البته باید توجه داشت که وقتی از تبدیل علم به عین سخن می‌گوییم، مقصود از آن «عین محسوس» نیست. همچنین مقصود از تبدیل معرفت به مشاهده، «مشاهده بصری» نیست، زیرا حس و محسوس بلحاظ نوعی با عقل و معقول متفاوت است و افراد یک نوع با شدت و ضعف نمیتوانند به نوع دیگر تبدیل شوند. بهمین دلیل، دیدن با چشم (ابصار) با شدت یافتن تبدیل به تخیل نمیشود و تخیل نیز با تقویت، تبدیل به تعقل نمیگردد. احساس، تخیل و تعقل انواعی متفاوت از ادراکند که هر یک به عالمی از عوالم سه‌گانه مربوط بوده و تأکید در هر یک، حجاب و مانع رسیدن به دیگری است (همانجا).

درجات تصدیق و مراتب ایمان

ملاصدرا پس از اشاره به دیدگاههای

ضمن بیان معنای «فضل» در قرآن، ایمان را به سه نوع تقسیم میکند: ۱) معرفت ایمانی؛ این نوع از ایمان در اصل از آن پیامبر (ص) و اولیای الهی از اهل‌البیت علیهم‌السلام است و ولایت بتبع آن حاصل میشود. ۲) ایمان برهانی که از طریق استدلال و تعقل برای حکما محقق میگردد. ۳) ایمان سماعی تقلیدی. این نوع از ایمان که بصیرت حقیقی در آن نیست، مربوط به عوام است. صدرالمآلهین حقیقت ایمان را نور الهی میداند که دارای اصنافی است: ۱) صنف اول، خود نور؛ ۲) صنف دوم، عکس نور؛ ۳) صنف سوم، سایه نور. نور الهی بر قلب آدمی میتابد و او را سرشار از روشنی و معرفت میکند.

مبانی نظریه رشد ایمان فاولر

فاولر برای مطالعه ساختاری ایمان، از الگوی رشدشناختی پیازه و رشد اخلاقی کلبرگ و برای درک و فهم ایمان، از مراحل نظریه روانی-اجتماعی اریکسون بهره برده است. او مانند پیازه و کلبرگ، مراحل تحول ایمان را بر اساس تغییر در بعد ساختاری آن توضیح میدهد و به بعد محتوایی آن کمتر توجه دارد. فاولر با تأسی از دیدگاه پیازه درباره ماهیت ساخت، میکوشد نشان دهد که تغییر در ساختارهای شناختی و عاطفی به شکلگیری شناختهای ایمانی که از نظر کیفی متفاوتند، می‌انجامد (نوذری، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۰). او تحول تصویر (اوصاف) خداوند در جریان رشد ایمان را نیز همانند پیازه تشریح میکند (آذربایجانی و

گونگون درباب ماهیت ایمان، حقیقت ایمان را تصدیق میداند؛ البته همانگونه که در منطق تصدیق را به تصدیق لفظی و تصدیق عقلی تقسیم میکنند، تصدیق ایمانی نیز باید به تصدیق لفظی یا اقرار زبانی صرف و تصدیق حقیقی تقسیم شود. از اینرو ایمان از الفاظ مشکک است که معنای آن بر حسب شدت و ضعف، متفاوت است. از این منظر، میتوان ایمان را به ظاهری و باطنی یا مجازی و حقیقی تقسیم کرد. از دیدگاه عرفا ایمان همانند گردو به چهار مرتبه: مغز مغز، مغز پوست و پوست پوست تقسیم میشود (همو، ۱۳۸۹ الف: ۲/۹۰).

۱. مرتبه نخست ادای کلمه شهادتین و اعتراف و تصدیق لفظی است، درحالیکه قلب از آن غافل، یا همانند منافقان منکر آن است.

۲. تصدیق معنای کلمه شهادت ایمان، مانند تصدیق عموم مؤمنان که هنوز به مرحله یقین نرسیده‌اند.

۳. ایمان حقیقی که شناخت معارف ایمانی و تصدیق آنهاست. این مرحله یا حاصل تصدیق برهانی و یقینی است یا نتیجه شناخت کشفی.

۴. استغراق آدمی در نور حضرت احدیت، بگونه‌یی که جز خداوند واحد بیهمتا را نمیبیند. این مقام برای کسانی که مشغول زندگی دنیوی هستند حاصل نمیشود، مگر عرفای کامل و اولیایی که سلطان آخرت بر درونشان غلبه پیدا کرده است (همانجا).

ملاصدرا ایمان به خدا و شناخت حقایق را برترین فضل خدا نسبت به انسان میداند و در

موسوی اصل، ۱۳۹۸: ۲۳). اما باید توجه داشت که از نظر فاولر، ایمان دینی تنها یکی از اشکال ایمان است. او هر نوع نظام‌بخشی معنایی و ارزشی را ایمان قلمداد میکند و بهمین دلیل، ایمان ممکن است در قالب پیروی از یکی از ادیان یا نظامهای معنابخشی و ارزشی مطرح شود (نوذری و غلامی، ۱۳۹۶: ۷۹).

از نظر فاولر بُعد رابطه‌ی ایمان نقشی مهم در درک مفهوم ایمان و مراحل آن دارد. در طرح پیشنهادی فاولر، تجربه‌ی ایمانی هر فرد تحت تأثیر سه عامل خود، دیگران و کانونهای مشترک ارزش (اجتماعاتی مانند، خانواده، دانشگاه، کلیسا، دین، آیینها و مناسک گروهی، ملت و قوم) و ارتباط بین این عوامل است. فاولر یادآور میشود که این عوامل ثابت نیستند و ممکن است در بستر حیات اجتماعی فرد، در طول زمان تغییر کنند؛ بنابراین فرد در طول زندگی اجتماعی خود تجربه‌های ایمانی متفاوتی را پشت سر میگذارد (Fowler, 1981: pp. 17-18).

مراحل ششگانه رشد ایمان از دیدگاه فاولر

از دیدگاه فاولر، پس از پیش مرحله طفولیت (تولد تا ۲ یا ۳ سالگی) که ایمان در آن غیرتمایز است، ایمان شش مرحله دارد (Fowler & Dell, 2006: p. 36): (۱) ایمان شهودی-تصویری (intuitive-projective faith)، کودکی ۳ تا ۷ سالگی؛ (۲) ایمان اسطوره‌ی-واقعی (mystic-literal faith)، کودکی ۷ تا ۱۳ سالگی؛ (۳) ایمان ترکیبی-عرفی

(synthetic-reflective faith) نوجوانی ۱۱-۱۲ تا ۱۷-۱۸ سالگی؛ (۴) ایمان انفرادی-تأملی (individuative-reflective faith) ۲۰ سالگی به بعد؛ (۵) ایمان پیونددهنده (conjunctive faith)، میانه بزرگسالی یا پس از آن؛ (۶) ایمان جهانی (universalizing faith).

۱. ایمان شهودی-تصویری: با گذار از دوره نوزادی و تجهیز کودک به ابزارهای تازه شناختی و ارزشگذارانه، این ظرفیت در کودک ایجاد میشود که نخستین نظم معنایی و ارزشی درباره زندگی را بتصویر بکشد و اولین الگوی ایمانی را شکل دهد (نوذری، ۱۳۹۶: ۹۵). در این مرحله، نظام معنایی و شناختی کودک بر اساس شهود حسی و تصویرسازی و قوه تخیل است. طفل تصورات را از طریق حواس پنجگانه ادراک میکند و با شنیدن سخنان و داستانهای اطرافیان خود، به تصویرسازی و تخیل میپردازد. کودک تصورات حسی و تخیلات خود را عینی میداند و فرافکنی میکند و در مورد آنها دیدگاهی حصرگرایانه و خودمحورانه دارد. او خدا را همانند هوای پیرامون تصور میکند و نظام اخلاقی-ارزشی وی در این مرحله تقلیدی و مبتنی بر اطاعت و دیگرپذیری و چگونگی ارتباط او با والدین است (Fowler, 1981: pp. 122-133).

۲. ایمان اسطوره‌ی-واقعی: در این مرحله کودک با عملیات ذهنی و منطقی آشنا میشود و میان خیال و واقعیت تمایز مینهد. خداوند در این مرحله بعنوان موجودی رحیم و مهربان یا فرمانروا

و والد، تصویر میشود. نظام ارزشی کودک در آغاز این مرحله مبتنی بر پاداش و مجازات عینی (نتیجه عمل) است. با کسب توانایی عملیات عینی در پایان این مرحله، کودک نسبت به عدالت کیهانی و نظامهای پیچیده‌تر در روابط میان اشیاء واقف میشود و شرور را مانع عدالت کیهانی نمیداند (Fowler & Dell, 2004: p. 21). در این مرحله کودک به تفاوت دیدگاه خود و دیگران توجه میکند اما در مورد باورهای خود جزم‌اندیش است. او به برخی تناقضات در اسطوره‌ها توجه دارد و همین زمینه عبور به مرحله بعدی میشود. هرچند این مرحله مربوط به کودک دبستانی است، اما فاولر میگوید برخی از مصاحبه‌شونده‌ها در نوجوانی و بزرگسالی نیز در این مرحله باقی مانده بودند (Fowler, 1981: pp. 135-152).

۳. ایمان ترکیبی-عرفی: در این مرحله نظام معنایی و شناختی با عملیات انتزاعی صورت میگیرد. قدرت نیروی شناخت در این مرحله به‌اندازه‌ی است که اسطوره‌ی شخصی میسازد و داستان زندگی را در یک تصویر واحد از گذشته، حال و آینده شکل میدهد. ایمان در این مرحله هویت فرد را پایه‌ریزی میکند و او را به واقعیت غایی پیوند میدهد. نظام ارزشی و اخلاقی در این مرحله بیانگر نگرانی نوجوان از نحوه ارتباط با دیگران است و هنوز اعتماد بنفس و توانایی برخورداری از دیدگاهی مستقل را ندارد. تصویر نوجوان از خداوند معمولاً بعنوان دوست یا راهنما شکل میگیرد که با صفات وفاداری و حمایت در بحران

مشخص میشود. نوجوان خدایی را جستجو میکند که او را بپذیرد و هویت شخصی او را تأیید کند، زیرا رشد شخصیت و جستجوی مبانی الهی اغلب در این مرحله اتفاق می‌افتد. نظام ارزشی-اخلاقی بر اساس تأیید مراجع بیرونی و افراد مهم تعیین و حفظ میشود و مورد تفکر انتقادی قرار نمیگیرد و همانها درونی میشود (Ibid: pp. 151-170).

۴. ایمان انفرادی-تأملی: در بزرگسالی بسیاری از افراد به تناقض میان برخی باورها و ارزشهای مورد قبول خود واقف میشوند و همین امر زمینه تفکر نقادانه را فراهم میسازد. در این مرحله، دیدگاه دیگران درباره نظام باورها و ارزشها در نظر گرفته میشود اما لزوماً پذیرفته نمیشود. تفکر انتقادی در مورد باورها و ارزشها خیلی ساده و آسان نیست و ممکن است فرد را با چالشهای درونی یا اجتماعی مواجه سازد. سختترین تنشها در این مرحله مربوط به تصمیمگیری شخص درباره هویت گروهی و شکوفایی شخصیت و هویت فردی است. افراد در این شرایط با نقد نظام ارزشی که پذیرفته بودند، مسئولیت صریح باورها و سبک زندگی خود را میپذیرند.

ایمان انتقادی و فردی؛ نمادهای ارثی و تقلیدی: در این مرحله فرد عقاید و رسوم و احکام مذهبی رایج را بررسی میکند و ممکن است برخی از آنها را کنار بگذارد، اما آنهایی که حفظ میشوند، آگاهانه و با تحقیق انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب باورها و ارزشها در این مرحله به

تجربه شناختی و تربیتی فرد بستگی دارد و افراد دارای تفکر نقاد با روش مخصوص به خود، جهانی‌بینی و نظام ارزشی خود را شکل می‌دهند. دینداری و دیدگاه فرد نسبت به خداوند با ارزشهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیستی فرد مرتبط است و مجموعه آنها حیات دینی و معنوی وی را شکل می‌دهد (Fowler and Dell, 2004: p. 24; Fowler, 1981: pp. 174-183).

مرتبه ایمان شمولگرا از دیدگاه ملاصدرا

ابن‌سینا در اشارات و تنبیهات می‌گوید: سعادت در آخرت برای همه از یک نوع و دارای یک شکل نیست. او عذاب را محدود به عده‌یی اندک از انسانها دانسته و بیشتر آنها را اهل نجات می‌داند: ولا تضع الی من يجعل النجاة وفقاً علی عدد و مصروفة عن اهل الجهل و الخطایا صرفاً الی الابد، و استوسع رحمة الله (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

ملاصدرا ضمن اشاره به این سخن ابن‌سینا، می‌گوید: درست است که این سخن شیخ‌الرئیس با ظاهر برخی از نصوص و روایات سازگار نیست، اما دقت نظر در اصول ایمانی و قواعد عقلی ما را به این اعتقاد یقینی می‌رساند که لازم است بیشتر مردم اهل سلامت و نجات باشند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۱۱). بهمین دلیل ملاصدرا بر این باور است که با کسب سطحی بالا از شناخت عقلی و ایمان، به نوعی کثرت‌گرایی و اعتقاد به نجات عموم آدمیان می‌رسیم. برخی از اصولی که ملاصدرا در تبیین و اثبات دیدگاه

خود به آن تصریح می‌کند از این قرارند:

۱. مقصود اصلی از بعثت پیامبران و کتب آسمانی ایمان به مبدأ و معاد، همراه با انجام اعمال نیک است. بنابراین اگر کسی پیامبری را نشناسد و خبری از او نداشته باشد اما به خدا و آخرت مؤمن باشد و اعمال نیک انجام دهد، اهل سعادت و نجات خواهد بود (همو، ۱۳۸۹ الف: ۴ / ۱۳۷۱). او در این بیان از آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره / ۶۲) بهره می‌گیرد.

۲. فطرت آدمیان ظرفیت پذیرش نور حکمت و ایمان را دارد و این در همه انسانها زمینه نجاتشان را فراهم می‌کند، مگر کسانی که با کفر آن را نابود کرده و با حجاب آن را بپوشانند (همو، ۱۳۸۰: ۳۱).

۳. باور به رحمت و فیض بیکران الهی با حصر نجات در تعدادی خاص از داستانها سازگار نیست. او با اشاره به سخن ابن‌عربی در مورد «سبقت رحمت خدا بر غضب او» می‌گوید: از رحمت بیکران و گسترده الهی بدور است که خود را مقید سازد و بیشتر بندگان را از شمول آن خارج نماید (همو، ۱۳۸۲ ج: ۴۹۷).

۴. حکمت خداوند نیز اقتضا دارد که اکثر انسانها اهل نجات باشند. حکمت خداوند اقتضا می‌کند نوعی را که آفریده است، بگونه‌یی بیافریند که بیشتر افراد آن به کمال مطلوب آن نوع برسند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۱۹). البته کمال دارای مدارج و

مراتب است، اما اگر اکثر افراد نوع به حداقلی از کمال (نجات) دست نیابند، با حکمت و اتقان صنع الهی سازگار نخواهد بود.

۵. درست است که بر اساس درکی از عدالت خداوند، باید کافران مورد عذاب قرار گیرند، اما کیفر الهی مشروط به عدم توبه و عفو الهی است، اگرچه ممکن است این شرط در برخی از آیات قرآن تصریح نشده باشد (همو، ۱۳۸۹ الف: ۲/۲۵۴).

عده‌یی با توجه به دیدگاه ملاصدرا در مورد ذومراتب بودن نجات و سعادت، معتقدند نه حصرگرایی و نه کثرت‌گرایی را نمیتوان به او نسبت داد، بلکه باید دیدگاه او را نوعی «شمول‌گرایی فراگیر» نامید (زاهدی و صداقت، ۱۳۹۳: ۶۹). روشن است که تنها برخی از افراد به این افق گسترده ایمانی میرسند که حقیقت و حقانیت را محصور و منحصر به عده‌یی خاص ندانند.

ایمان پیونددهنده فاولر

فاولر مرحله پنجم از مراحل رشد ایمان را ایمان پیونددهنده مینامد. این مرحله از ایمان تنها برای برخی از افراد در اواسط دهه سی سالگی و پس از آن، دست‌یافتنی میشود. شاخصه این مرحله آنست که درک و بصیرت شخص با ایمان به سطحی میرسد که برای نمادها و اسطوره‌ها و مراسم عبادی مذاهب گوناگون، نقشی مقدماتی در معنادار کردن زندگی قائل است. بهمین دلیل، در این مرحله فرد مؤمن به همه شرایع و تشریفات مذهبی

احترام میگذارد. مرحله ایمان پیونددهنده در پی حصول بصیرتی در شخص باایمان شکل میگیرد که بر مبنای آن عدالت از حدود تعهدات و معیارهای طبقه اجتماعی، گروه‌های نژادی و مذهبی و ملل و جوامع قراردادی، فراتر میرود. برای کسی که عدالت را محدود به موازین قومی، نژادی و اجتماعی میدانند، همیشه زمینه دشمنی و کینه‌ورزی نسبت به دیگران وجود دارد؛ این در حالی است که با فهم عدالت بمثابه میزانی کلی برای همه آدمیان، رویکردهای چندگانه همچون راههای مختلف رسیدن به حقیقت جلوه میکند و زمینه پذیرش حقایق فرهنگها و مذاهب دیگر را فراهم میسازد. معمولاً در این مرحله فرد مؤمن با علاقه به گفتگو با مذاهب دیگر از اعتقادات و نظامهای عملی خود نیز درکی بهتر پیدا میکند (Fowler & Dell, 2004: p. 24; Fowler,) 186 p. (1981). بیان دیگر، در این مرحله نوعی از کثرت‌گرایی (pluralism) درباره ادیان و مذاهب مطرح میشود که بر اساس آن صراطهای وصول به حقیقت یا راههای نجات، متکثر و متعددند.

در پژوهشهای فاولر از هر شش نفری که در مصاحبه شرکت کرده بودند، تنها یک نفر به مرحله ایمان پیونددهنده راه یافته بود. همچنین بر اساس پژوهشهای وی، این مرحله قبل از میانسالی حاصل نمیشود. شرط وصول به این مرحله از ایمان، نوعی خودشکوفایی بنیادین است که موجب شکستن حصارهای باور و مناسک محدود

میشود و این تنها برای عده‌ی اندک امکان‌پذیر است (Stanard & Painter, 2004: pp. 200-201).

برترین مرتبه ایمان از دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا برترین مرحله ایمان را از آن انسان کامل میدانند و او را حقیقت محمدیه (ص) و رحمت برای عالمیان معرفی میکند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷). انسان کامل تمامی بندگان را بسوی رحمت و رضوان الهی سوق میدهد (ملاصدرا، ۱۳۸۲ب: ۴۲۰). درجه والای ایمان به کسانی اختصاص دارد که از ایمان شهودی یقینی نسبت به معارف الهی بهره‌مندند. کسانی که به معارف الهی ایمان غیبی دارند و با ریاضات عملی، قلب خود را اصلاح میکنند، از کيفر نجات یافته و اهل سعادت خواهند بود، اما کسانی که از ایمان غیبی فراتر رفته و به ایمان شهودی میرسند و حقایق الهی را به دیده دل میبینند، به فوزی بزرگ دست می‌یابند. ایمان برای این افراد، علم به حقایق پنهان و از طریق استدلال عقلی نیست بلکه شهود حقایق عریان است. اهل ایمان شهودی میتوانند در سلک مقربان درآیند و خیر مطلق، زیبایی مطلق و نیکویی مطلق حق را شهود نمایند.

خداوند بر حسب مرتبه ایمان، به قلب مؤمن روشنایی و هدایت عطا میکند؛ هنگامی که انسان منازل سلوک را میپیماید و از مراحل حسی، خیالی و عقلی میگذرد و به بالاترین حد ایمان میرسد، از نور جمال ازلی برخوردار میشود. با رسیدن به این مرحله، از مرحله

«محبین» فراتر رفته به سلک «محبوبین» وارد میشود و بهمین دلیل علم او به «عین» و ایمان او به «عیان» تبدیل میشود (همو، ۱۳۸۹الف: ۴/ ۱۰۷۵). بیان دیگر، در این مرتبه دوگانگی میان انسان و خدا رخت برمیبندد و مؤمن با متعلق ایمان خویش یگانه میشود.

ملاصدرا در اسرار الآیات مسلک همه پیامبران و اولیای الهی را علوم الهی و اصول ایمانی میدانند که چیزی جز جستجوی معرفت به خداوند و آیات، ملک، ملکوت و ملائکه او نیست. به‌باور او، رسیدن به این منهج علمی و ایمان حقیقی پدیده‌ی نادر و کمیاب است و در هر عصری تعدادی اندک (یک یا دو نفر) برخوردار از ایمان حقیقی، یافت میشوند. علم توحید و ایمان حقیقی نوری است که خدا آن را در قلب بندگان خاصی قرار میدهد که مورد عنایت اویند. ایمان حقیقی، صرف اقرار با شهادت زبانی یا بحث و تکرار و استدلالهای کلامی نیست؛ بنابراین بیشتر آنان که بظاهر مؤمن هستند، در حقیقت کافر و مشرکند: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف/ ۱۰۶). مؤمنین حقیقی راسخان در علم هستند که در حکمت و معرفت، کامل گشته‌اند (همو، ۱۳۸۹ب: ۲۲).

ایمان جهانشمول از دیدگاه فاولر

فاولر مرحله ششم از مراحل رشد ایمان را تنها برای برخی افراد قابل حصول میدانند و آن را ایمان جهانشمول مینامد. مؤمن در این

فراوان

مرحله از کوتاه‌بینی و محدودیت‌های ملیت، طبقه اجتماعی، گرایش سیاسی و سنت دینی، فراتر می‌رود و نسبت به همه افراد بشر بمنزله یک مجموعه واحد واکنش نشان می‌دهد؛ همه آدمیان را فرزندان خدا میدانند و نسبت به همه از خودگذشتگی و دلسوزی نشان می‌دهد. از نظر فاولر، استدلال اخلاقی مرحله ششم زیربنای سیاست‌های رهبری افرادی است که بعنوان بزرگترین رهبران اخلاقی شناخته شده‌اند. او افرادی مثل گاندی، مارتین لوترکینگ و مادر ترزا را تجسم ایمان جهانشمول و عشق و عدالت واقعی تلقی می‌کند. رهبری این افراد عاری از خشونت و همراه با عشق نسبت به همه مخلوقات است. تعهد آنها به عدالت و عشق واقعی باعث می‌شود از جامعه‌ی فراگیر حمایت کنند و درصدد تغییر جهان به عالمی برتر باشند (Fowler, 1981: pp. 199-210).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. ملاصدرا و فاولر مراحل رشد ایمان را به رشد شناختی پیوند می‌زنند؛ به این دلیل که هر دو در باب ماهیت ایمان، عمدتاً شناخت‌گرا هستند. توضیح آنکه، برخی ایمان را از سنخ اراده، گروهی آن را از سنخ احساس و بعضی آن را از مقوله شناخت میدانند. ملاصدرا اساس ایمان را معرفت و تصدیق قلبی دانسته و تکامل مراحل و مراتب آن را به تکمیل قوه عقل مربوط میدانند. البته او تحقق مراتب برتر ایمان را مشروط به پیمودن مراحل عقل نظری و عقل عملی (تهذیب

اخلاق) معرفی می‌کند. فاولر نیز در مراحل رشد ایمان به مراحل رشد شناختی توجه نموده و ساختار مراحل خود را بر اساس تکامل منطق شناخت در ادوار مختلف، ترسیم می‌کند.

۲. بنظر میرسد دیدگاه‌های ملاصدرا در مورد قوای شناختی نفس و مراحل تکامل رشد عقل، با دیدگاه‌های فاولر در زمینه تغییر در ساختارهای شناختی و ارزشگذاری در مراحل مختلف رشد - همچون استعداد ذاتی کودک برای انطباق با محیط و تشکیل تصاویر ذهنی از امور عینی در مرحله مقدماتی، تفکر شهودی و قوه تخیل در مرحله اول، تفکر عملیاتی عینی در مرحله دوم، تفکر عملیاتی انتزاعی در مرحله سوم، تأمل موشکافانه در مرحله چهارم ایمان - نقاطی مشترک دارد. همچنین میتوان گفت مراحل استکمال عقل و محدوده سنی آن در دیدگاه ملاصدرا با تحول رشد شناختی افراد در مراحل مختلف ایمان فاولر، تا حدود زیادی انطباق دارد.

۳. ملاصدرا بر نقش عقل عملی و اخلاق در ایجاد بستر رشد ایمان و فعلیت مراتب برتر عقل و بصیرت تأکید دارد. فاولر نیز بر نقش تحول نظام ارزشی و نگرش اخلاقی در پیمودن مراحل رشد ایمان تأکید می‌کند. تفاوت عمده‌ی که در نگرش ملاصدرا با فاولر می‌بینیم در گستره تربیت اخلاقی است. ملاصدرا در بستر پیراسته شدن از رذائل (تخلیه) و آراسته شدن به فضایل (تحلیه)، هم اخلاق اجتماعی (قواعد حاکم بر روابط آدمیان با یکدیگر) و هم اخلاق

بندگی (روابط میان انسان و خدا) را در نظر میگیرد. اما بنظر میرسد از آنجا که ایمان مورد نظر فاوُلر، صرفاً ایمان دینی نیست، او کمتر به ارتباط انسان با خدا پرداخته است.

۴. الگوی ملاصدرا در همه دستهبندی‌هایی که برای ایمان ارائه میکند، ساختاری است و اختصاص به دین خاصی ندارد. تقسیم ایمان به ظاهری و حقیقی یا تقلیدی، برهانی، عیانی یا لفظی، معنایی، حقیقی، فنایی میتواند در هر دین و مذهبی کارآیی داشته باشد و مثلاً در دین یهودیت، مسیحیت و... میتوان همین مراتب را در نظر گرفت. همین امر در مورد الگوی شش مرحله‌یی ایمان از دیدگاه فاوُلر نیز صادق است. بنابراین مراحل رشد ایمان از دیدگاه فاوُلر را میتوان در همه ادیان و بگفته برخی از مفسران، حتی در مورد همه ایدئولوژیهای سکولار نیز بکار گرفت.

۵. از دیدگاه ملاصدرا متعلق ایمان، امور غیرعادی، یعنی خدا، ملکوت، عالم غیب، رستاخیز و... است. بدین سان برای ایمان به این امور باید مرحله‌یی تکامل یافته از عقل در آدمی تحقق یافته باشد. اما از دیدگاه فاوُلر متعلق ایمان عمدتاً یک نظام معنایی و ارزشی است که میتواند احساس معناداری و انگیزه لازم برای تعهد، التزام و پایبندی را فراهم سازد. بر همین اساس، از دیدگاه فاوُلر ایمان شامل هم تعهد و - در بسیاری افراد - ایدئولوژیهای غیردینی میشود و هم در مورد مراحل رشد آنها مصداق دارد.

۶. ملاصدرا در تعیین مراتب ایمان پس از

مراحل ایمان تقلیدی-سماعی و مرحله استدلالی-برهانی یا تأملی، به مرحله ایمان کشفی-عیانی و شهودی میرسد که در اوج خود، به مرتبه استغراق و فنای در خداوند می‌انجامد. بدین سان، مؤمن در بالاترین مرتبه، از طور عقل خارج شده و به طور ماورای عقل سفر میکند و البته این مرحله ویژه نوادری از اولیا و انبیای الهی است. در مقابل، فاوُلر با معرفی گاندی و مادر ترزا، والاترین مراتب ایمان را عمدتاً در افرادی میداند که با احساس عشق نسبت به همه انسانها، از قید محدودیت مذهب و قواعد رایج اخلاق فراتر میروند. ویژگی بارز این افراد از خودگذشتگی، دلسوزی و عشق و احترام به همه موجودات عالم است.

۷. ملاصدرا معتقد است تصویر انسان از خدا متناسب با مراتب ایمان و مراحل ارتقای بصیرت او، تحول میپذیرد. بهمین دلیل، در مرحله ایمان ظاهری یا تقلیدی، عموماً تصویری تشبیهی از خداوند در انسان شکل میگیرد؛ بیان دیگر، در این مرحله فرد به خدای انسان‌وار که صفاتی مشابه آدمی دارد ایمان می‌آورد و فهم او از متون دینی درباب خداوند، به ظاهر الفاظ (معنای ظاهری) آنها محدود میشود و خداوند را امری محدود و بلکه جسمانی تصویر میکند. اما در مراحل بالاتر و با توجه به تعارض درونی این تصویر از خدا و ناموجه بودن آن، به تنزیه روی می‌آورد و همانند عموم فیلسوفان، بر صفات جلال و سلب محدودیتها از خداوند تأکید دارد. در

مراحل بالاتر ایمان با جمع تشبیه و تنزیه یا جلال و جمال، فرد به تصویری کاملتر از خداوند میرسد. در نظریه رشد ایمان فاولر نیز در مراحل پایین رشد ایمان، خدا همانند فرمانروایی مقتدر و متعال تصویر میشود که در مقابل او باید فرمانبردار بود. اما در مراحل برتر، خداوند با حضور همه‌جایی خود در جهان و با ویژگیهای رحمت و لطف، همانند دوست و راهنمایی ظاهر میشود که مددکار و یاری‌دهنده انسان در مشکلات است.

۸. ملاصدرا تصریح میکند که رشد مراتب ایمان بموازات حرکت جوهری استکمالی جسم و همراه با گذشت عمر و بالا رفتن سن صورت میگیرد، اما پس از مرحله بلوغ عقل، آدمی پیوسته در معرض گرایشها و انتخابهایی است که او را بر لبه ایمان و کفر (فرشته و شیطان) قرار میدهد. بدین ترتیب، رشد و تکامل ایمان در آدمی خطی نیست و ممکن است در بسیاری از اوقات، حالتی نزولی و سیری قهقرایی داشته باشد. اگرچه بنظر میرسد فاولر تصویری خطی و افزایشی از رشد ایمان در طول عمر ارائه داده است، اما باید توجه داشت که در مراحل رشد ایمان مد نظر وی نیز برخی برگشته‌ها یا سیر قهقرایی در طول بحرانهای متفاوت ایمان، دیده شده است. مثلاً با اینکه بسیاری از افراد در نوجوانی و جوانی از مرحله نخست عبور میکنند، برخی بزرگسالان هرگز از این مرحله فراتر نمیروند. افزون بر آن، چنانکه بیان شد، فاولر خود در الگوی پیشنهادی ایمان

یادآور شده که عوامل مؤثر در ایجاد تجربه ایمانی افراد، در طول زمان قابل تغییرند و بهمین دلیل فرد در بستر حیات اجتماعی خود رابطه‌های ایمانی متفاوتی را تجربه میکند.

منابع

قرآن کریم.

آذربایجانی، مسعود؛ موسوی اصل، مهدی (۱۳۹۸) درآمدی بر روان‌شناسی دین، تهران: سمت.

ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابو‌حامد (۱۳۷۰) شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن سینا (۱۳۷۵) الاشارات و التنبیها، قم: نشر البلاغه.

بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۰۸ق) الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم، بیروت: دار الجیل.

خادمی، عین‌الله؛ ماجدی، قدسیه (۱۳۹۳) «چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا»، فلسفه دین، شماره ۲، ص ۲۸۹-۳۲۴.

زاهدی، محمدصادق؛ صداقت، علی (۱۳۹۳) «شمول‌گرایی فراگیر: بررسی نظریه نجات ملاصدرا»، پژوهشنامه ادیان، شماره ۱۶، ص ۶۹-۹۰. زمانی، مهدی (۱۳۹۹) «نقش ساحات احساسی و ارادی ایمان در پیوند دوسویه آن با فعل اخلاقی از دیدگاه ملاصدرا»، خردنامه صدرا، شماره ۱۰۱، ص ۱۳-۲۶.

زندوانیان، احمد و همکاران (۱۳۹۴) «نظریه رشد ایمانی فاولر به‌عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، ادیان و عرفان، سال ۴۸، شماره ۱، ص ۷۹-۶۷.

طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی‌تا) الرسائل العشر، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

علم‌الهدی، سیدمرتضی (۱۴۱۷ق) الذخیره فی علم

- الكلام، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- علوى، محمدكاظم (۱۳۹۳) «تحليل معرفت محورانه مراتب ايمان در فلسفه ملاصدرا»، حكمت و فلسفه، شماره ۳۸، ص ۲۸-۷.
- كيلن، ملانى؛ اسمتانا، جوديث (۱۳۹۵) رشد اخلاقى: كتاب راهنما، ترجمه محمدرضا جهانگيرزاده، عليرضا شيخ شعاى، سيدرحيم راستى تبار، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.
- گرجيان، محمد مهدي؛ اسماعيلى، معصومه (۱۳۹۵) «منازل وجودى انسان در حركت استكمالى عقل از منظر ملاصدرا»، پژوهشهاى هستى شناختى، شماره ۹، ص ۳۵-۴۹.
- ملاصدرا (۱۳۸۰) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۷، تصحيح و تحقيق مقصود محمدى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- ملاصدرا (۱۳۸۱ الف) المبدأ و المعاد، تصحيح و تحقيق محمد ذبيحى و جعفر شاه نظرى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- ملاصدرا (۱۳۸۱ ب) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۶، تصحيح و تحقيق احمد احمدى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- ملاصدرا (۱۳۸۱ ج) كسر اصنام الجاهلية، تصحيح و تحقيق محسن جهانگيرى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- ملاصدرا (۱۳۸۲ الف) شرح و تعليقه صدر المتالين بر الهيات شفاء، تصحيح و تحقيق نجفقلی حبيبي، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- ملاصدرا (۱۳۸۲ ب) الشواهد الربوبية فى المناهج السلوكية، تصحيح و تحقيق سيدمصطفى محقق داماد، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۲ ج) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۹، تصحيح و تحقيق رضا اكبريان، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۳ الف) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۱، تصحيح و تحقيق غلامرضا اعوانى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۳ ب) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۳، تصحيح و تحقيق مقصود محمدى، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۳ ج) الحكمة المتعالية فى الأسفار الأربعة، ج ۸، تصحيح و تحقيق على اكبر رشاد، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۶) مفاتيح الغيب، تصحيح و تحقيق نجفقلی حبيبي، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۹ الف) تفسير القرآن الكريم، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۸۹ ب) اسرار الآيات و انوار البيئات، تصحيح و تحقيق محمدعلى جاودان، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- (۱۳۹۱) مجموعه رسائل فلسفى، ج ۴، تصحيح و تحقيق ذبيح الله صاحبكار، تهران: بنياد حكمت اسلامى صدر.
- نوذرى، محمود (۱۳۹۶) روانشناسى تحول ديندارى، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نوذرى، محمود؛ غلامى، مهدى (۱۳۹۶) «مراحل شكل گيرى ايمان از ديدگاه فاوولر و نقد آن»، اسلام و پژوهشهاى روان شناختى، شماره ۸، ص ۶۵-۸۳.
- وحيدى مهرجردى، شهاب الدين (۱۳۸۸) «ايمان از ديدگاه ملاصدرا»، اندیشه نوين دينى، شماره ۱۷، ص ۵۹-۸۵.

- Ekman, P. C. T. (1996). Faith development theory and spiritual direction. *Pastoral psychology*, vol. 44, no. 4.
- Fowler, J. W. & Dell, M. L. (2004). Stages of faith and identity: birth to teens. *Child and adolescent psychiatric clinics of north America*. vol. 13, no. 1, pp. 7-34.
- - - - (2006). Stages of faith from infancy through adolescence: reflections on three decades of faith development theory. CA, US: Sage Publications.
- Fowler, J. W. (1981). *Stages of faith: the psychology of human development and the quest for meaning*. San Francisco: Harper & Row.
- Neumann, M. E. (2011). Addressing children's beliefs through Fowler's stages of faith. *Journal of pediatric nursing*, vol. 26, no. 1, pp. 44-50.
- Stanard, R. & Painter, L. (2004). Using a faith development model in collage counseling. *College student affairs journal*, vol. 23, no. 2, pp. 197-207.